



مصاحبه | گفتگو

تحلیل و آسیب‌شناسی روند تحولات انقلاب اسلامی و مسائل اساسی پیشرفت (بخش چهارم)

گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی

اندیشکده عصر پیشرفت | بهمن ۱۴۰۱



کد اثر: ۴۵۰/۱ C/۱

**عنوان:** تحلیل و آسیب‌شناسی روند تحولات انقلاب اسلامی

و مسائل اساسی پیشرفت (بخش چهارم)

**گفتگو با:** حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی

**منبع:** مجموعه گفتگوهای «ایران آینده»

**عصر پیشرفت؛ اندیشکده | رسانه | مدرسه**

بهمن ۱۴۰۱

**مجموعه گفتگوهای «ایران آینده»**

مصاحبه‌های علمی با اساتیدی از رشته‌های علوم انسانی  
پیرامون مسئله پیشرفت اسلامی - ایرانی



**حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی**

رئیس شورای سیاست‌گذاری مجمع عالی علوم انسانی اسلامی  
پژوهشگر فلسفه سیاسی، تمدن‌نوین اسلامی و مطالعات فرهنگی



## بسمه تعالی

### اشاره

مجموعه گفتگوهای «ایران آینده» پانزده مصاحبه علمی با اساتیدی از رشته‌های مختلف علوم انسانی در زمینه پیشرفت اسلامی - ایرانی است. این گفتگوها در قالب کتابی با عنوان «ایران آینده» از سوی انتشارات عصر پیشرفت در دست انتشار است. بخشی از این گفتگوها که اکنون به آن می‌پردازیم، به «تحلیل روند تحولات انقلاب اسلامی و مسائل اساسی پیشرفت» اختصاص دارد. طی این گفتگوها، اساتید به آسیب‌شناسی روند برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی و تحلیل کلان خود از تحولات پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و در پرتو آن برخی مسائل پیش روی پیشرفت ایران را پیش کشیده‌اند. در ادامه، قطعاتی از مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی در این باره، آورده شده است.

دکتر محسن دنیوی: با نگاهی که شما دارید، ما با نحوی از توسعه‌یافتگی مواجه هستیم که در ایران نهادینه نشده و جدی‌ترین علتش هم رویکرد غرب‌گرایانه و استعماری این توسعه است که با استقلال‌خواهی و سنت ایرانی و اسلامی ما در تضاد است. ولی پس از انقلاب، روند توسعه‌یافتگی در همان ریل قبلی قرار گرفت و سودای توسعه در این کشور در ذهن برنامه‌ریزان زنده شد؛ سازمان برنامه و بودجه دوباره متولی شد و ما شاهد نشش برنامه توسعه پنج ساله در کشور هستیم که برنامه اول در سال ۶۲ محقق نمی‌شود، ولی در سال ۶۸ اجرا می‌شود و تا الان که در گیرودار برنامه هفتم توسعه هستیم، ادامه دارد. چه اتفاقی افتاده که ما دوباره پس از انقلاب به ریل قبلی برگشتیم؟

**ابتکارات امام خمینی در نهادسازی متمایز از توسعه غربی و مبتنی بر ایده پیشرفت، برای مواجهه با پیامدهای به‌ارث‌رسیده از توسعه پهلوی**

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی: ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وارث حجم وسیعی از خرابی بودیم؛ یعنی همان تقسیم شمال و جنوب، محصولی داشت و محصولش محرومیت و فقر بسیار شدید و تکان‌دهنده بود. لذا در سال‌های اول انقلاب، ما با ابتکاراتی قابل توجه از امام برای غلبه بر این خرابی‌ها و تحقق عدالت در ایران و جبران این شکاف اجتماعی گسترده، روبه‌رو بودیم. مثالی می‌زنم که تکمیل پاسخ سؤال قبلی هم هست...

## تأسیس جهاد سازندگی، برای رفع محرومیت روستاها و بازسازی مجدد کشاورزی

با پیروزی انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی با ابتکار امام و دستور ایشان، و با امکانات دولت و کمک خود مردم، تأسیس شد و با تمام قوا تلاش کرد محرومیت‌ها را از چهره روستاها برطرف کند؛ چون صنعتی که معیشت مردم را تأمین می‌کرد، همین کشاورزی بود. کشاورزی در آن دوره، فوق‌العاده رنجور شده بود که این شرایط به اصلاحات ارضی قبل از انقلاب هم برمی‌گشت؛ پهلوی دوم در پروژه اصلاحات ارضی، بدون اینکه زمین‌ها را عادلانه توزیع کند و زیرساخت‌های لازم را به وجود بیاورد و کشاورز را توانمند کند، فقط آمد و نظام ارباب‌رعیتی را به ظاهر برهم زد (البته این نظام تا آخرین روز منتهی به انقلاب اسلامی، باقی بود و این انقلاب بود که این نظام را به هم زد). آنها با یک ژستی، با نسخه آمریکایی‌ها، گفتند می‌خواهیم اصلاحات ارضی کنیم و در این جریان، زمین‌های بزرگ را خرد کرد و بین کشاورزانی تقسیم کرد که اصلاً توانمند نبودند و امکانات و سرمایه‌ای نداشتند. این کار، منجر به انهدام کشاورزی در ایران شد. در واقع در خیلی از زمینه‌ها که ما خودکفا بودیم، از جمله در محصولات غذایی، تبدیل شدیم به واردکننده بزرگ. بسیاری از کشاورزهایی که با وجود نظام ارباب‌رعیتی، به راحتی زندگیشان را اداره می‌کردند، بعد از این اقدامات، قادر به اداره زندگی‌شان نبودند و از روستاها به شهر کوچ کردند. اصلاً موج مهاجرت از روستاها به شهرها، بعد از اصلاحات ارضی و شکست آن و ناامیدی مردم، شروع شد. شاه می‌خواست با این کار، محبوبیت خودش را افزایش دهد؛ عکس این، اتفاق افتاد. امام و علما به هیچ وجه مخالف این نبودند که کشاورزان از این نظام ارباب‌رعیتی خلاص شوند یا خودشان صاحب زمین و ملک شوند؛ بحث امام این بود که این یک نسخه کاملاً آمریکایی و استعماری است و ذاتش وطن‌خواهانه و ایران‌خواهانه نیست؛ اسباب و لوازمش را هم فراهم نکرده‌اید و نتیجه‌اش بدبختی و فقر و فلاکت بیشتر می‌شود! ما در اوایل انقلاب، در موقعیتی با جهاد سازندگی به سمت روستاها رفتیم که خیلی از آنها منهدم شده بود و زندگی مردم، فشل بود یا خیلی از امکانات در اختیارشان نبود. با همین جهاد سازندگی، امکانات در بین مردم توزیع شد، پل و راه‌های مواصلاتی و درمانگاه ساخته شد. این ابتدایی‌ترین کار انقلاب بود.

## تأسیس بنیاد مسکن، با هدف شکل‌گیری جهاد مسکن‌سازی با مشارکت مردم

بنیاد مسکن هم با دستور امام ایجاد شد. بسیاری از ایرانی‌ها مسکن نداشتند و فکر نمی‌کردند روزی صاحب مسکن شوند. با دستور امام و مشارکت خود مردم و نهادهای که برآمده از انقلاب بود، یک جهاد مسکن‌سازی در ایران شکل گرفت و شاید ده‌ها هزار نفر از این طریق صاحب مسکن شدند.

### تأسیس کمیته امداد امام خمینی، با هدف رسیدگی به طبقات محروم با مشارکت مردم

کمیته امداد امام خمینی هم که با دستور امام تأسیس شد، به کسانی که دچار فقر بسیار شدید بودند و نمی‌توانستند کمر راست کنند، به کمک خود مردم، فوری رسیدگی می‌کرد؛ یعنی بسیاری از گرفتاری‌های حاد در آن مقطع، با کمک خود مردم برطرف می‌شد. در تمام اینها خود مردم حضور داشتند؛ دولت و نظام هم بودند، ولی مردم نقش اول را داشتند.

### تأسیس بنیاد مستضعفان، با هدف بازپس‌گیری اموال غارت‌شده توسط افراد وابسته به طاغوت

همین بنیاد مستضعفان که امروز ممکن است نگاه روشنی به آن وجود نداشته باشد، اموال غارت‌شده توسط افراد وابسته به طاغوت را تا حد امکان باز پس می‌گرفت و برای تأمین نیازهای قشر ضعیف کشور استفاده می‌کرد. ستاد اجرایی هم بعد از آن ایجاد شد.

### تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در مساجد و محلات، با مشارکت مردم

تشکیل گسترده صندوق‌های قرض‌الحسنه؛ به نحوی که در هیچ مسجد و محله‌ای نمی‌رفتید، مگر اینکه صندوق قرض‌الحسنه تشکیل شده بود و به مردم وام می‌داد و از آنها دستگیری می‌کرد.

### راه‌اندازی نهضت سوادآموزی، با هدف رشد فراگیر سواد عمومی

بخش قابل توجهی از مردم ایران در اوایل انقلاب، از جهت علمی فقیر بودند، بی‌سواد بودند؛ به همین دلیل نمی‌توانستند نیازهای اولیه‌شان را به دست بیاورند. نهضت سوادآموزی غوغایی ایجاد کرد. در تمام مساجد و مکان‌های عمومی، نهضت سوادآموزی ایجاد شد.

اینها ابتکارات انقلاب برای جبران آن شکاف عمیق بود. لذا اولین گام‌های انقلاب اسلامی، گام‌های سازندگی و پیشرفت بود و برای خودش هم ایده داشت؛ همه اینها ایده‌هایی نو بود که خیلی‌ها پیش نمونه خارجی ندارد و برآمده از دین است.

### جنگ تحمیلی و تحریم‌های خارجی، دو مانع اصلی استمرار نهادسازی با رویکرد پیشرفت

انقلاب حرکت خود را با این اقدامات شروع کرد؛ اما جنگ تحمیلی مانع ادامه پرقوت این حرکت شد و عمده انرژی کشور را سمت خود جذب کرد و طبیعی هم بود؛ مسئله اول ما جنگ بود و باید همه امکانات به آن سمت می‌رفت. البته این حرکت متوقف نشد؛ نه جهادسازندگی، نه کمیته امداد، و نه بنیاد مسکن، هیچ‌کدام متوقف

نشوند، اما به طور طبیعی ضعیف شدند؛ چون هم نیروی انسانی و هم بخش زیادی از امکانات، مصروف جبهه‌ها شد. هم جنگ و هم تحریم‌هایی که بعد از انقلاب و اخراج آمریکایی‌ها از ایران، یکی بعد از دیگری اضافه شد، آثار مخربی بر بحث پیشرفت کشور گذاشته است. تا زمانی که جنگ بود، خیلی از این مسائل اصلاً امکان طرحش وجود نداشت؛ یعنی تمام نگاه‌ها به سمت جنگ بود تا بتوانیم به اهدافمان در جنگ برسیم.

### گذار از مدل توسعه سوسیالیستی افراطی دهه شصت به مدل توسعه لیبرالی، پس از جنگ تحمیلی

بعد از جنگ هم متأسفانه خطی در کشور شکل گرفت که ما را در بعضی از زمینه‌ها به عقب برگرداند؛ یعنی مدلی برای سازندگی و توسعه کشور انتخاب شد که اسلامی نبود، بلکه مدل خاصی از توسعه غربی بود. ما، هم مدل «جامعه‌گرا»ها را داشتیم و هم مدل «لیبرال»ها را داشتیم. می‌توانستیم حداقل از مدل تعدیل‌شده جامعه‌گراها که به دین خیلی نزدیک‌تر بود، استفاده کنیم؛ این مدل را دهه اول انقلاب هم تا حدی تجربه کرده بودیم. البته قدری هم زیاده‌روی در این زمینه شده بود؛ یعنی بعضی مدل‌های سوسیالیستی با افراط اجرا شد. نیامدیم همان را تکمیل، و نواقصش را برطرف کنیم؛ یا حداقل از جامعه‌گرایی و لیبرالیسم به یک مدل تازه‌ای برسیم، نه! در دوران موسوم به سازندگی، از بعد از پایان جنگ تا حدود هشت تا ده سال، مدل توسعه لیبرال، مبنای حرکت پیشرفتی کشور قرار گرفت. به شدت هم از آن دفاع شد و با هر مخالفتی، محکم برخورد کردند. برای همین کسی نتوانست مخالفت جدی کند. البته تحلیل‌ها هم ضعیف بود و بسیاری از نیروهای انقلابی، تحلیلی از میدان نداشتند یا تحت تأثیر تحلیل‌هایی بودند که در جاهای مختلف به بچه‌های انقلابی تحمیل می‌شد و فکر می‌کردند همین خط، خط درستی است و باید برویم.

### ابتنای الگوی توسعه پس از جنگ بر توسعه اقتصادی و اولویت اقتصاد بر فرهنگ، زمینه بسط تفکرات اومانیستی و لیبرالیستی

از مدل‌های توسعه در غرب، مدلی از توسعه غربی در ایران به کار گرفته شد که برآیندش حذف فرهنگ بود؛ هرچه گفته می‌شد انقلاب ما، انقلاب فرهنگی و برآمده از روح فرهنگ است و ما باید سرمایه‌گذاری فرهنگی کنیم و حوزه فرهنگی را بسط دهیم، می‌گفتند: «نه! اولویت اول توسعه اقتصادی است؛ ما وقتی که برخوردار شدیم و بر فقر و عقب‌ماندگی غلبه کردیم، خودبه‌خود نوبت فرهنگ هم می‌رسد». لذا ما در یک مقطع طولانی، مهم‌ترین مزیت خودمان را که فرهنگ بود، کنار گذاشتیم و همین کنار گذاشتن فرهنگ، دوباره تفکر این‌جهانی‌گری و تفکرات اومانیستی و لیبرالیستی را در پهنای مدیریتی کشور با یک رویش جدید رواج داد. این

رویش در ظاهر با دوران پهلوی متفاوت بود، ولی بالاخره غربی بود. وقتی فرهنگ را حذف می‌کنیم، به طور طبیعی فرصت چنین رویش‌هایی پیش می‌آید.

## توام شدن توسعه اقتصادی با توسعه سیاسی و فرهنگی و اولویت یافتن توسعه سیاسی، در دوره اصلاحات

ما بعد از دوران سازندگی، دوران اصلاحات را داریم که باز همان خط از جهت اقتصادی ادامه پیدا می‌کند؛ با این تفاوت که مسئله اول به زعم خودشان، «توسعه سیاسی» می‌شود؛ حالا با نظریه‌های پخته‌تر و چکش‌کاری شده غربی. دیگر توسعه قابل تفکیک به اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیست؛ یکپارچه است و هرچه جلوتر می‌رویم، کسی در غرب نمی‌گوید وقتی می‌گوییم توسعه، منظور ما توسعه اقتصادی است؛ فرهنگی و سیاسی در باطنش هست و اینها یکی هستند. پس اولویت اول، توسعه سیاسی می‌شود. در دولت‌های دیگر، مشکلاتی به شکل‌های دیگر داشتیم.

## جدی شدن چالش «عدالت»، با استمرار مدل توسعه غربی پس از جنگ تحمیلی

روند توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی در ایران، با بی‌تفاوتی و بی‌تحرکی افراد مواجه شد. ما متأسفانه از یک مقطعی، با چالشی جدی در ایران مواجه شدیم و آن چالش «عدالت» بود؛ یعنی نه تنها نتوانستیم آن خطی را که امام در اوایل انقلاب طراحی، و خیلی از رهبران انقلاب هم از پیشروی آن پشتیبانی کردند، ادامه دهیم، بلکه مجدداً با یک شکاف عمیق اجتماعی روبه‌رو شدیم که تا الان ادامه دارد. امروز در حوزه عدالت با چالش جدی روبه‌رو شدیم و این چالش‌ها واقعی هم هستند و باید یک فکر اساسی برایشان بشود.

## ثابت ماندن اصول و سیاست‌های کلی انقلاب، علی‌رغم مدل‌های توسعه غربی

لذا اتفاقاتی افتاد که از آن به عود و برگشت تعبیر می‌کنیم. البته این عود و برگشت، نسبی است؛ یعنی ما به خیلی از مسیرهایی که در اوایل انقلاب بود، پشت کردیم و هیچ وقت هم به آنها برنگشتیم. خطوط کلی و سیاست‌های کلی ما از زمان امام تا الان، هیچ وقت مغایر با خطوط اصیل دینی و عدالت و اینها نبوده است؛ اما مدل‌هایی که پیش‌بینی شده و اصل کار هم همین مدل‌هاست که بر اساس آنها برنامه‌ریزی می‌شود، متأسفانه مدل‌های درستی نبود.



@asr\_e\_pishraft

تلفن ۰۹۱۰ ۶۵۱ ۳۳ ۳۰

[www.asr\\_e\\_pishraft.ir](http://www.asr_e_pishraft.ir)

تهران، خیابان ایرانشهر، پلاک ۱۰۵، طبقه ۳

اندیشکده | رسانه | مدرسه عصرپیشرفت، محیطی برای اندیشه ورزی و انتشار دیدگاه‌ها پیرامون پیشرفت، نوآوری و تحول حکمرانی است. در عصر پیشرفت، به وضعیت گذشته، حال و آینده ایران می‌پردازیم و تاثیر موضوعات، افراد، وقایع و پدیده‌ها را بر پیشرفت ایران بررسی خواهیم کرد.